

# بررسی خاستگاه و انواع نقوش واق در هنر اسلامی

علیرضا طاهری\*

سمیه ربیعی\*\*

## چکیده

در باره نقوش واق و افسانه درخت سخن گو، تحقیق و پژوهش بسیار اندکی انجام شده است. پژوهش در این موضوع، سبب می شود این نقش در تاریخ هنر اسلامی و ایرانی بیشتر شناخته شود. این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است: خاستگاه درخت سخن گو و نقوش واق چیست؟ انواع نقوش واق کدام اند؟ حیطة نمایشی نقوش واق در چه گستره ای از هنرهای اسلامی است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش ها، به افسانه های درخت سخن گو به اختصار پرداخته می شود و سپس نقوش واق و انواع آن در هنر اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد. این نقوش بخشی از هنر تخیلی هنر اسلامی چه در حوزه نگارگری و چه در سایر هنرها به شمار می رود و خاستگاه آن، داستان ها و افسانه هاست. فرضیه تحقیق عبارت است از: سرچشمه پیدایش این نقوش مربوط به افسانه درخت سخن گو یا واق بوده است که در طول زمان، از نظر ظاهری دگرگون شده و انواع مختلفی از آن به وجود آمده است.

در قرآن مجید نیز از درختی با سرهای شیاطین یاد شده است. انواع گوناگون این نقوش شامل ترکیبات تزئینی "انسان- گیاه" و "حیوان- گیاه" است و به صورت تذهیب در حاشیه و یا در متن آثار نگارگری، تصویرسازی کتاب ها و برخی دیگر از هنرهای دستی همچون سفالگری و قلم زنی پدیدار شده است. از قرن ششم هجری به این سو، نقوش واق به عنوان نقش تزئینی مهمی در هنر شرق به شمار می رود؛ به ویژه این نقوش در حاشیه فرش های مغولی هند فراوان دیده می شود. واژه های کلیدی: واک واک، درخت سخن گو، واق واق، نگارگری، فرش.

## مقدمه

"کمند" و "تیرک" جانشین های مذهبی درخت اسطوره ای هستند. مردم ترک زبان برای خدایانشان با استفاده از کشیدن پوست حیوانی روی درخت (چوبک) قربانی می کردند (<http://www.tcoletribalrugs.com>).

در فرهنگ ایران قبل و بعد از اسلام نیز درخت همواره دارای ارزش و تقدس بوده است. یکی از این درختان مقدس که از دیدگاه اساطیری و آیینی ایران باستان دارای نیروی شفابخشی، برکت و جاودانگی است، "درخت زندگی" نام دارد. درخت زندگی معمولاً در تصاویر و نقوش میان دو راهب یا دو کاهن یا دو جانور (شیر دال، بز وحشی، شیر و...) قرار دارد و نگاهبانان است. این درخت رمز نیروی مقدس و بیمناک است. از میوه های این درخت، اکسیر ملکوتی طول عمر یا جاودانگی به دست می آید و برای چیدن آن باید با هیولایی که نگاهبان آن است درآویخت. هر که در این نبرد پیروز شود، به مرتبه ای فوق انسانی ارتقا می یابد؛ یعنی نامیرا و بی مرگ می شود (فربود، ۱۳۸۱: ۴۳). نقش این میوه های افسانه ای در درخت دیگری نیز به چشم می خورد که درخت سخن گو نام دارد. درختی با میوه هایی به شکل سرهای انسان و حیوان که در افسانه های ملل گوناگون به صورت های مختلف بیان

نقوش واق در افسانه ها و داستان های کهن ریشه دارد. اعتقاد به درخت به عنوان عنصری زاینده و حیات دهنده، گونه های مختلفی را دربر می گیرد؛ همچون درخت زندگی، درخت ماه و خورشید و به ویژه درخت سخن گو. این داستان ها نشان می دهد مفهوم درختان مقدس چه میزان در ذهن آدمی استوار و برجسته بوده است. انسان درخت را تجسم زمین، بهشت و دوزخ، بهشت گمشده و حتی ابنای بشر و جاودانگی می پنداشت (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۶۴). یکی از همین درختان مقدس، درخت بلوط بود که جایگاه خدایان تندر و یاران به شمار می رفت و بسیاری از جوامع پیشین اروپا آن را می پرستیدند.

احتمالاً کهن ترین مرکز پرستش این درخت، متعلق به زئوس (ژوپیتر) در دودونا (Dodona) در اپیروس (Epirus) بود. این درخت برای زئوس مقدس شمرده می شد و با آن به عنوان غیب گو مشورت می کردند و خش خش برگ های آن را صدای زئوس می پنداشتند (هال، ۱۳۸۳: ۲۸۰). همچنین گفته شده است که هند و اروپایی های باستان بلوط را پرستش می کردند. کلمه روسی "bog" (خدا) از همان ریشه مشتق می شود.

\* استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان (taheri21@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر

## معنای لغوی واق

"واق" در لغت به معنای درختی است که صباح، بهار و شام خزان کند؛ بعضی هم بیشه و جنگلی را گفته اند که آن درخت در آنجاست. گویند ثمر و بار آن درخت به صورت آدمی و حیوانات دیگر باشد و سخن کند. گویند در آنجا کوهی است معدن طلا و نقره و بوزینگان در آنجا بسیار باشند و آن را "واق واق" و "وقواق" هم می گویند و نام پرندۀ ای<sup>۱</sup> هم هست. گابریل فران در دایره المعارف اسلام می نویسد: wak wâk" در عربی واقواق یا وقواق است (تبریزی، ۱۳۶۱: ۲۲۴۹). در لغت نامه دهخدا آمده است: "واق واق نام درختی است که در هندوستان می باشد، بس عجیب. بامداد، بهارش می باشد و شبانگاه خزان می کند و برگ هایش بر صورت مردم باشد. چون روز پیش آید، برگ هایش در آشوب افتد؛ چون شب آید، فروریزد." همچنین او می نویسد: "واقواق نام درختی است چینی که بر جوزبن و خیار سبز مانده است و میوه ای دارد چون روی مردم، و چون این بار برسد یعنی پخته گردد، چند بار آوازی دهد چون واق واق، و سپس از درخت باز شود و مردم جزایر چین بدین آواز فال زنند. ظاهراً ناحیتی اساطیری است و صاحب حدود العالم آن را ناحیتی از چین می شمرد که زمین او معدن زر است و جایی بی نعمت و قصبه، آن شهر مقیاس است و این شهری است خرد و جای بازرگانان گوناگون. شمس الدین ابو عبدالله محمد ایبطالب انصاری صوفی دمشقی در کتاب نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر، واق واق را نام جزیره ای می داند داخل در محیط پشت کوه اصطیفون، نزدیک کران دریا که از دریای چین بدان جا شده." (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۴۱۶) (تصویر ۱).

واقواق جنوب یا واقواق آفریقایی - جزایر واقواق در دریای لاروی (Larwi) واقع است که ساحل غربی هند و ممالک زنج را سیراب می کند. واقواق جنوب با واقواق چین متفاوت است. در آنجا دو جزیره است: دارو (Daru) و نابھانا (Nabhana) که هر دو فقیر و کم جمعیت اند. واقواق شرقی یا واقواق چین در مشرق چین واقع است. در عقب چین، واقواق چین از واقواق جنوب به سبب ارزش عالی معادن طلا، مشخص است (تبریزی، ۱۳۶۱: ۲۲۴۹).

در نزهه القلوب نیز چنین آمده است: "از احوال خلیج ها، خلیج اول بحر چین و ماچین است و از همه خلیج ها بزرگ تر است و به طرف چین لجه بزرگ دارد و در این خلیج سه هزار و هفتصد جزیره مسطور است، از مشاهیرش جزیره واقواق. ولایتش بالای صد جزیره است و در آنجا درختانی که چون باد برگش بر هم زند، آواز واق واق دهد و آن جزایر بدین نام مشهور است و پادشاه آنجا را کشمیر خوانند." (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۳۰) (تصویر ۲).

در افسانه دیگری هم آمده که درخت واق یا واق واق نزدیک کوه قاف واقع شده است. این درخت افسانه ای به شکل سرهایی است که سخن می گویند و غیب گویی می کنند. گفته می شود که میوه های این درخت به شکل زنان زیبایی هستند



تصویر (۱): نقشه جهان همراه با مشخصات جزیره واق واق در جنوب شرق عالم، توسط ابو عبدالله محمد الادریسی، قرن ششم ق.



تصویر (۲): تصویرسازی، نسخه خطی، درخت واق واق با میوه های انسانی که از آن آویزان شده اند

شده است. فردوسی نیز در شاهنامه از این درخت با عنوان "گویا درخت" یاد می کند؛ درختی سخن گوی و آینده نگر که برای اسکندر پیشگویی می کند.

با توجه به ممنوعیت نقاشی پس از اسلام، هنرمندان با الهام از این نقوش صورتک های حیوانی و انسانی را بر روی آثار هنری به تصویر کشیدند؛ به گونه ای که نگرش آرمانی هنرمند به نقوش انسان و حیوان از شدت و غلظت تحریم مذهبی آن ها می کاست و آن را در حد فاصل واقعیت و حقیقت قرار می داد. میوه افسانه ای درخت واق واق هم که به انسان و حیوان شباهت داشت، حامل چنین ویژگی ای بود. پس، هم می توانست مانند عنصری از عناصر تزئینی کتاب آرایبی عمل کند و هم اینکه اذهان کنجکاو را در باب درختان سخن گو ارضا نماید (آژند، ۱۳۸۸: ۸). از قرن پنجم هجری به این سو، این نقوش به تدریج زینت بخش آثار هنری شد.

که از سرهایشان از درخت آویزان شده‌اند. این افسانه در هزار و یک شب نیز ذکر شده است. هر صبح در طلوع آفتاب این سرها فریاد می‌زنند: وک وک؛ یعنی خدا را پرستش می‌کنند. با فریاد آن‌ها همه از طلوع خورشید آگاه می‌شوند. ساکنان آن جزیره زنان هستند و به هیچ مردی اجازه نمی‌دهند در میانشان زندگی کنند. آن‌ها تحت فرمان پادشاه بزرگ جنتی هستند که سپاه بی‌شماری از اهریمنان، شیطان‌ها و دیو و جن از هر نوعی را فرماندهی می‌کند.

### نقوش واق

اعتقاد و ایمان اسلامی هنرمندان باعث شد مطابق اصول شریعت، از شمایل کشی دوری کنند و به خلق نقش و نگارهای تجریدی برگرفته از طبیعت بپردازند. در نتیجه، کاربرد اسلیمی‌ها با ساقه و شاخ و برگ‌ها فزونی گرفت. از قرن پنجم هجری به این سو، اسلیمی‌ها فقط شامل ساقه‌ها، برگ‌ها و گل‌ها نبود؛ بلکه سرهای حیوانی و انسانی در جای برگ‌ها ظاهر شد. با ابداع ترکیب حروف الفبا با سرها یا اشکال انسانی، این شیوه در کتیبه نویسی گسترش یافت. نمونه‌هایی از آن روی یک ظرف فلزی از افغانستان و سپس از موصل در شمال عراق کشف شده است. اگرچه سبک چنین نوشته‌هایی کاهش پیدا کرد، استفاده از اسلیمی‌هایی با سر انسان و حیوان ادامه یافت. شاید به این دلیل که آن‌ها یک سبک از درخت واق واق یا درخت سخن‌گو را در ادبیات عربی و پارسی ایجاد کرده بودند. از سوی دیگر، درخت واق واق با درختی که در قرآن مجید ذکر شده است ارتباط دارد. این درخت دارای سرهایی از شیاطین است که به جای میوه روئیده‌اند. اگرچه اسلیمی‌هایی با سر انسانی و حیوانی همانند داستان‌ها مصور نشده‌اند، با همان روح شگفت‌انگیز موجودات عجیب و غریبی خلق شده‌اند که تصور می‌شد فقط آن سوی مرزهای جهان شناخته شده وجود دارند. نقش اسلیمی برای هنرمندان در سراسر جهان اسلام، فرصت‌های نامحدودی برای انطباق و بازسازی به وجود می‌آورد که بیش از خوش‌نویسی و یا اشکال هندسی عربی بود. برای مثال، در پی استیلای مغول در قرن هفتم هجری، ابرهای پیچان چین و نقوش موج، در واژگان تصویری هنرمندان آسیای مرکزی به مصر وارد، و با اسلیمی‌ها ترکیب شد؛ به گونه‌ای که اسلیمی که در همه رسانه‌ها ظاهر می‌شود، بازتاب هنرمندانه‌ای از مراودات فرهنگی و گسترش آن است (Canby, 2005:27).

### انواع نقوش واق

بر اساس ظاهر و گونه‌های شکلی انسانی و حیوانی، تشکیل‌دهنده نقوش واق واق و اینکه این مخلوقات با اشکال گیاهی آمیخته شده‌اند، منبای تقسیم‌بندی این نقوش بر گیاه استوار بوده است و می‌توان آن‌ها را به دو گروه بزرگ تقسیم کرد:

۱- انسان- گیاه: ترکیب سر انسانی زن یا مرد با شکل‌های گیاهی و اسلیمی؛

۲- حیوان- گیاه: ترکیب سر حیوان با شکل‌های گیاهی و اسلیمی.

در کتاب برهان قاطع به نقل از کتاب الحیوان جاحظ، فقط یک نوع آن بیان شده است. البته در برخی از نقوش واق به ترکیبات موجودات افسانه‌ای دیگری همچون دیو نیز برمی‌خوریم. واقواق نباتی- حیوانی ترکیبی از شکل نباتات و حیوانات است. واقواق‌ها موجوداتی هستند که به نوع بشر نیز شبیه‌اند. آنان محصول درختان بزرگی هستند که با موی (سر) به آن‌ها آویخته‌اند. این موجودات ویژگی‌های زنانه دارند و دارای رنگ هستند و پیوسته فریاد برمی‌آورند: واق واق. وقتی که یکی از آن‌ها اسیر می‌شود، خاموش می‌شود و می‌میرد. واقواق‌ها مانند نخل و نارگیل‌اند و بدن آن‌ها ترکیبی از موجودات نباتی و حیوانی است (تبریزی، ۱۳۶۱: ۲۲۴۹) (تصویر ۲).

ترکیبات حیوان- گیاه و انسان- گیاه، از سر حیوانات و عناصر گیاهی تشکیل شده است. در این ترکیبات حیوان یا انسان به صورت واقعی یا خیالی، در انتهای ساقه‌ها و به جای گل‌ها و برگچه‌ها و نیز در میان پیچش‌ها ظاهر می‌شود. نمونه‌ای از ترکیبات انسان- گیاه در تصویری از نسخه خطی عهد تیموری دیده می‌شود (تصویر ۳). این تصویر ملاقات اسکندر را با درخت سخن‌گو نشان می‌دهد: جایی در انتهای جهان، درخت سخن‌گو مرگ اسکندر را پیش‌بینی می‌کند.

فردوسی در داستان اسکندر رومی درباره درخت سخن‌گو یا به تعبیر او "گویا درخت" چنین آورده است:

کسی آن ندید آشکار و نهان  
درختی است ایدر، دو بُن گشته جفت

که چونان شگفتی نشاید نهفت  
یکی ماده و دیگری نرّ اوی

سخن‌گوی و با شاخ و با رنگ و بوی  
به شب ماده گویا و بویا شود

چو روشن شود، نرّ گویا شود....



تصویر (۳): اسکندر و درخت واق واق، نسخه تیموری، شیراز، قرن نهم ه. ق.



درخت در زشتی و خیانت و بدی، گویا سرهای شیاطین است. در مرکز آتش، درختی عظیم الجثه به نام زقوم، مکانی به وسعت جاده‌ای به طول پانصد سال را پر کرده است. خارهای این درخت نیزه مانند است و میوه‌هایش به شکل سرهای شیاطین، شیرها، عقرب‌ها و جانوران کریهی است که نیشی کشنده‌تر از هر مار دارند. در پایه درخت، جهنمیان توسط شیاطین عذاب می‌بینند؛ به گونه‌ای که زبانشان را می‌برند و زبان دوباره به سرعت رشد می‌کند (رزسگای، ۱۳۸۵: ۱۸). تصویرسازی این نسخه بی نظیر (تصویر ۴) شیوه‌آرمانی نقاشی درباری را ادامه داد و با سنت‌های نقاشی قبل از بایسنقر در هرات و شاید سمرقند (که به نظر می‌رسد در آن زمان دایر شده بود) ارتباط برقرار کرد (سفر پیامبر (ص) در میان بهشت و دوزخ). (Grube, 1932: 94).



تصویر (۴): معراج نامه، حضرت محمد (ص) در دوزخ، تصویرسازی شده در هرات، پانزدهم م/ نهم ه.ق.

اشکال واق واق در تزینات اسلیمی بسیار ساده و واضح به تصویر کشیده شده‌اند. سرهای بدون گردن و تنه انسانی و حیوانی در محل برخورد ساقه‌ها و یا انتهای آن‌ها همانند گل و میوه ترسیم شده‌اند. یک نمونه عالی آن در نسخه خطی از دیوان سلطان حسین بایقرا متعلق به قرن دهم هجری، آن‌ها را بر روی گنبد یک خیمه نشان می‌دهد. سرهای انسانی و حیوانی مانند روباه، گوسفند، خروس و غیره منقوش شده (تصویر ۵) و صورتک‌ها هم به طرز زیبایی در میان پیچش‌ها قرار گرفته‌اند.

چنانچه گفته شد، ظهور این نقوش به هنر نگارگری ختم نمی‌شود؛ بلکه بر روی اشیاء و ظروف سفالین و شیشه‌ای نیز نقش می‌بندد. بطری شیشه‌ای مطلقاً و مینا کاری شده (متعلق به قرن هشتم هجری در سوریه) نیز آن‌ها را در انتهای منحنی‌ها نشان می‌دهد که به شکل زیبایی ترکیب شده‌اند (تصویر ۶). دو گونه از اسلیمی، دو طرف گرد این کوزه را پوشانده است. دو شکل شبدری به هم پیچیده متقارن، یک اسلیمی بسیار زیبا در کنار آن و درخت حلزونی شکلی است که ریشه این پیچک به سرهای انسان و حیوان منتهی می‌شود (Canby, 2005: 27).



تصویر (۵): قرار ملاقات عاشقانه، قرن دهم ه.ق نقاشی روی کاغذ، طلاکاری برجسته، مؤسسه پژوهش‌های شرقی آکادمی علوم روسیه بخش سن پترزبورگ

کاربرد دیگر نقوش واق واق را می‌توان در سرلوح‌های مذهب مشاهده کرد. در نسخه‌ای از خمسه نظامی که توسط خواجه میرک شیرازی به سال ۹۵۶ ه.ق کتابت شده، از این نقوش استفاده شده است (تصویر ۷). صفحات مصور آن شامل ۳۰ نگاره و ۴ سرلوح مذهب بدون امضاء است. علاوه بر این صفحات، میان سطرهای صفحات مقابل نگاره‌ها و سرلوح‌ها به طرز زیبا تذهیب، و متن آن‌ها طلاکاری شده است. دو سرلوح افتتاح کتاب از زیباترین نمونه‌های نسخ خطی هستند. ابداع این سرلوح‌ها در طراحی حاشیه با سر انسان و دیو، کنایه از مضامین حکمی کتاب است. پرندگانی با رنگی خاکستری و حرکاتی موزون، بر زمینه طلایی بر گرد ترنج میانی آغاز کتاب قرار گرفته‌اند (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

نقوش واق در اطراف دایره مرکزی ترسیم شده‌اند و چهار سر

در اثر دیگری از معراج نامه نیز ترکیبات حیوان- گیاه درخت جهنمی دیده می‌شود (تصویر ۴). در اینجا، نقاش درخت واق واق را با سرهای واقعی ترسیم کرده است. این تصویرسازی به درخت "زقوم" در جهنم اشاره دارد که میوه‌های آن سرهای شیاطین است. در قرآن مجید سوره صافات آیات ۶۲-۶۸ درباره این درخت چنین آمده است: آن درخت را فتنه و بلای جان ستمکاران قرار دادیم. آن درختی است که از بن و بنیان جهنم ریشه می‌گیرد و رشد و نمو می‌کند. میوه آن

دیوماند در جهات جغرافیایی به نحوی قرار گرفته اند که در بین آن‌ها چهار سر انسانی جای گیرد. در اینجا نقوش واق به طرز بسیار زیبایی در زمینه آبی لاجوردی نقش شده‌اند.

### نقوش واق بر روی فرش

چنان‌که می‌دانیم، در قالی بافی مشرق زمین، از هزاران سال پیش، بسیاری از نقش‌ها را به صورت نمادین و همراه با مفاهیم استعاره‌ای و تمثیلی درمی‌آورده‌اند. برای مثال، درخت در بسیاری از تمدن‌ها نماد زندگانی، کاشته شدن، رویدن و بارور شدن است (پرهام، ۱۳۵۲: ۲۷). از این رو، علاقه فراوان هنرمندان به نمایش درختان و به ویژه درخت سخن‌گو و بازنمایی افسانه آن بر روی فرش‌ها نیز ظاهر شده است. این موضوع تخیلی، دست هنرمند را در گسترش حیطه تخیل و ذوق باز کرد؛ به گونه‌ای که در برخی آثار، نوآوری‌هایی به ظهور رسید. از این منظر، می‌توان نمونه‌ای بسیار نفیس از نقوش واق را بر روی تکه‌ای از قالی متعلق به دوره مغولی هند مشاهده کرد (تصویر ۸).

به لحاظ سبک، فرش هندی، شیوه نقوش منحنی شکل با گل‌های ظریف و یا شکل‌های طراحی را از فرش ایرانی وام گرفت که توسط نگارگران دربار خلق شده بود. اولین نسخه از نمونه‌های موجود، به تاریخ اواخر قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم هجری است و شامل قطعه‌ای با شکل‌های عجیب و غریب است. سرهای واقعی و اسطوره‌ای حیوانات، به تمثال ایرانی درخت واق بسیار شبیه است؛ افسانه‌ای که از مدت‌ها پیش در هند شناخته شده بود (Milanesi, 1999:136).



تصویر (۶): بطری زوار، سوریه، قرن هشتم ه. ق. شیشه مطلا و میناکاری شده



تصویر (۸): قطعه‌ای از قالی با نقش حیوانات، هند، اواخر قرن شانزدهم و هفدهم م/دهم و یازدهم ه. ق.



تصویر (۷): خمسه نظامی، سرلوح مذهب، ۹۵۶ ه. ق، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، نسخه شماره ۴۰۰



نقوش واق در این فرش (تصویر ۹) به صورتی عجیب و غریب نمایش داده شده است؛ به این ترتیب که از دهان هر یک از آن‌ها یک یا دو نقش موجودی مانند خرگوش، پرنده و امثال آن بیرون آمده است. نقوش واق نیز همچون نگارگری، می‌تواند در حاشیه اثر به عنوان تزیین قرار گیرد. در حاشیه فرشی مغولی با طراحی نامتقارن، صورتک‌های انسانی و حیوانی دیده می‌شود که در بین آرایه‌های گیاهی مانند میوه‌ها و گل‌ها تصویر شده است (تصویر ۹).

این صورتک‌ها به گونه‌ای در حاشیه فرش‌های مغولی نقش بسته‌اند که می‌توان نمونه‌ای تقریباً مشابه آن‌ها را در حاشیه فرش ایرانی متعلق به دوره صفوی دید (تصویر ۱۰).

صورتک‌ها کاملاً تخیلی و غیرواقعی‌اند. در این فرش ترکیب چند گونه صورتک با اسلیمی‌ها دیده می‌شود. همچنین دو گونه چهره خیالی و عجیب و سر دو اژدها و اسب وجود دارد که به طرز زیبایی با اسلیمی‌ها ترکیب شده است.

نقوش واق در سیر تحول شکلی، خود را از اتصال به نقوش گیاهی و اسلیمی جدا کرد و به صورت مستقل در مرکز اشکال تجریدی گل مانند قرار گرفت. این نقوش در زمینه و حاشیه فرش‌های ایرانی و مغولی، گاه با صورتک انسانی و گاهی حیوانات گوناگون نمایان است. این گونه‌های جدید در فرشی متعلق به قرن دهم هجری در کاشان بافته شده‌اند. سرهایی شامل گاو، بز، گوزن، پلنگ و غیره که در میان انبوهی از حیوانات وحشی و اهلی جای گرفته‌اند (تصویر ۱۱).



تصویر (۱۰): فرش اصفهان، با اسلیمی‌های گل‌دار و مدالیون، اواخر قرن سیزدهم ه. ق. مجموعه جی جونزف کالیفرنیا



تصویر (۱۱): گلیم ابریشمی شاه عباس، احتمالاً اواخر قرن دهم ه. ق. کاشان



تصویر (۹): قالی شکار، هندوستان، اوایل قرن هفدهم م/ یازدهم ه. ق. موزه هنرهای زیبا، بوستون

از حیواناتی که سر آن‌ها در نقوش فرش اهمیت دارد، سر شیر است. سر شیر به تنهایی به نمودی از نقش واق مبذل شده و به ویژه در تعداد زیادی از فرش‌های دوره صفوی چه در حاشیه و چه در متن قالی تکرار شده است. این نقش مایه واحد زیادی در هنرهای مختلف دوره صفوی دیده می‌شود (خودی، ۱۳۸۵: ۳۵).

### نتیجه گیری

در فرهنگ‌های گوناگون، از درخت سخن گو افسانه‌های زیادی ساخته شده است. ممکن است این درخت، بلوط باشد که هنگام وزیدن باد، صدای خش خش در آمدن برگ‌هایش را به نوعی پیشگویی تصور می‌کردند. در قرآن مجید نیز از درخت زقوم یاد شده که میوه‌اش سرهای شیاطین است و این درخت طعامی است برای گناهکاران. فردوسی نیز در شاهنامه از درخت سخن گو با عنوان "گویا درخت" یاد می‌کند که دارای دو تنه نر و ماده است و میوه‌های آن سرهای زن و مردند که از آینده پیشگویی می‌کنند و این درخت در انتهای جهان واقع شده است. به این ترتیب، این داستان‌ها دست مایه پیدایش نقوشی شدند که از قرن ششم هجری، به تدریج در کنار اسلیمی‌ها و نقش مایه‌های طبیعی و تصاویر خیالی فزونی گرفتند و نقوش گوناگونی از ترکیب سر انسان یا حیوان با گیاهان ایجاد شد. شاید یکی از دلایل توجه هنرمندان مسلمان به این نقش، همان گونه که ذکر شد، ذکر نام این درخت در قرآن است و همچنین محدودیت‌هایی است که هنرمندان در تصویرسازی از چهره و پیکره انسان با آن روبه‌رو بودند. تزئینی بودن این نقوش به نوعی توجیه‌گر حضور آنان بر روی آثار هنری است. این نقوش در فرش‌های ایرانی و به ویژه در فرش‌های مغولی هند (از قرن دهم و یازدهم هجری) نیز به وفور نمایان شد. در روند تحول ظاهری نیز، نقش مایه‌های واق واق از اشکال پیچیده ترکیبی یا نقوش اسلیمی و گیاهی به نقوش منفرد و تک چهره همچون صورتک‌های حیوانی و انسانی تبدیل شدند. طرح‌ها هم کاملاً تزئینی شدند که در نقوش واق ریشه دارند.

### پی نوشت

۱- واک: به سکون کاف پرنده‌ای است کبودرنگ که اغلب در کناره‌های آب می‌نشیند. "واق به فتح واو و الف و سکون و قاف، اسم طایری است از طیور آبی که در کناره آب می‌باشد، خاکستری‌رنگ مایل به سیاهی و مخلوط به سفیدی و سر آن سیاه."

### منابع

- ۱- آژند، یعقوب. (۱۳۸۸). "اصل واق در نقاشی ایران". نشریه هنرهای زیبا. ش ۳۸.
- ۲- پرهام، سیروس. (۱۳۵۲). قالی‌های روستایی و عشایری ایران. تهران: فرانکلین.
- ۳- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۶۱). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- ۴- خودی، الدوز. (۱۳۸۵). "معانی نمادین شیر در هنر ایران". کتاب ماه هنر. ش ۹۷-۹۸.
- ۵- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- رزسگای، ماری. (۱۳۸۵). معراج نامه. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی (مهاس).
- ۷- شاهکارهای نگارگری ایران. (۱۳۸۴). موزه هنرهای معاصر تهران.
- ۸- فربود، فریناز. (۱۳۸۱). "بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران". فصلنامه تحلیلی پژوهشی مدرس هنر. دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس. دوره ۱. ش ۲.
- ۹- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). نزه القلوب. تصحیح گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- ۱۰- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانشنامه اساطیر جهان. برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.
- ۱۱- هال، جیمز. (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- 12- BALTRUSAITIS J, (1981), Le Moyen. Age Fantastique, Ed. Flammarion, Paris.
- 13- Barry Michael, (1948), Figurative Art in Medieval Islam and the Riddle of Bihzad of Herat. foreword by Stuart Carry Welch, Editions Flammarion, Paris.
- 14- Bennett Ian, (1996), Oriental Carpet Identifier, Grange Books, London.

- 15- Canby Sheila R.,(2005), Islamic Art in Detail, The British Museum press, London.
- 16- Grube Ernest (1932), The world of Islam, Paul Hamlyn, London.
- 17- Khalili Nasser D., (2008), Visions of Splendor in Islamic Art and Culture, Worth Press. London.
- 18- Loukonine Vladimir, (1995), Art Persian. Edition Parkstone/Aurora. Bournemouth, England.
- 19- Milanesi Enza, (1999),The Carpet, Ibtauris co. Ltd., Publishers, London.
- 20- Mode Heinz, (1977), Démons et Animaux Fantastiques, Paris Edition, Leipzig.
- 21- <http://www.tcoletribalrugs.com>

